

Research Paper

The Conceptualization of Cultural Resilience



*Sadegh Khodamoradi¹ , Mohammad Ebrahim Maddahi² , Hasan Ahadi¹ , Mohammada-li Besharat³, Mohammad Mehdi Mazaheri Tehrani¹

1. Department of Psychology, Faculty of Social Sciences and Psychology, Islamic Azad University, Unit of Science and Research, Tehran, Iran.
2. Department of Psychology, Faculty of Humanities, University of Shahed, Tehran, Iran.
3. Department of Psychology, Faculty of Psychology and Educational Sciences, University of Tehran, Tehran, Iran.

Use your device to scan
and read the article online



Citation: Khodamoradi, S., Maddahi, M. E., Ahadi, H., Besharat, M., & Mazaheri Tehrani, MM. (2021). [The Conceptualization of Cultural Resilience (Persian)]. *Journal Strategic Studies of Public Policy*, 11(38), 276-297.



Received: 25 Apr 2020
Accepted: 08 Nov 2020
Available Online: 01 May 2021

Keywords:

Resilience, Culture, Adaptability, Problem-Solving, Soft war

ABSTRACT

In the last few decades, several studies have been conducted on the psychological constructs associated with the experience of crisis; the main focus of which was on the concept of resilience. Resilience is the ability to problem-solving and being adapted to critical situations. In other words, resilience is the extent to which an individual resists when encountering serious socio-economic and psychological problems and crises, and more importantly, the ability to overcome these difficult situations. Researchers have long explored the determinants of resilience; however, this research aimed to conceptualize cultural resilience. In this type of resilience, cultural-concerned abilities are studied to not suffer in difficult circumstances, to be adapted to, and to be able to properly behave as before. Methodologically, this was a systemic review study. The keywords of "Resilience", "Community", "Culture", and "Hardness" were searched from Pubmed, Google Scholar, Science Direct, Magiran, and SID databases with "AND" index. Finally, 23 relevant articles were included. Given the interdisciplinary studies, a definition of this construct was obtained; cultural resilience is the capacity and ability to cope with the crisis with the help of historical methods, myths, customs, and group beliefs. In addition, its components include dependency, trust, commitment, the feeling of pride, and collectivism.

* Corresponding Author:

Sadegh Khodamoradi

Address: Department of Psychology, Faculty of Social Sciences and Psychology, Islamic Azad University, Unit of Science and Research, Tehran, Iran.

E-mail: sadegh.khodamoradi@gmail.com

مقاله پژوهشی

مقدمه بر مفهوم پردازی تاب‌آوری فرهنگی

* صادق خدامرادی^۱، محمدابراهیم مداحی^۲، حسن احدی^۳، محمدعلی بشارت^۴، محمدمهدی مظاهری تهرانی^۱

۱. گروه روانشناسی، دانشکده علوم اجتماعی و روانشناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران.

۲. گروه روانشناسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه شاهد، تهران، ایران.

۳. گروه روانشناسی بالینی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

چکیده

تاریخ دریافت: ۰۶ اردیبهشت ۱۳۹۹
تاریخ پذیرش: ۱۹ آبان ۱۳۹۹
تاریخ انتشار: ۱۳ اردیبهشت ۱۴۰۰

در چند دهه اخیر مطالعات متعددی در مورد سازه‌های روان‌شناختی مرتبط با تجربه بحران صورت گرفته است که تمرکز اصلی این مطالعات بر مفهوم تاب‌آوری است. تاب‌آوری توانمندی حل مسئله و سازگاری در شرایط بحرانی است، یعنی زمانی که دچار مشکلات و بحران‌های جدی روانی، اجتماعی و اقتصادی می‌شویم، چقدر می‌توانیم مقاوم باشیم و مهم‌تر اینکه آیا قدرت برون‌رفت از این شرایط دشوار را داریم یا خیر. این سازه که از ارکان جنگ نرم است، میزان انعطاف ما را نشانه رفته است. سال‌هاست که پژوهشگران عوامل شکل‌دهنده تاب‌آوری را بررسی کرده‌اند، اما این پژوهش به دنبال مفهوم‌پردازی نوعی از تاب‌آوری به نام تاب‌آوری فرهنگی است که طی آن توانمندی‌هایی که فرهنگ در اختیار ما می‌گذارد که در شرایط دشوار دچار آسیب نشویم، سازگار شویم و مثل قبل رفتار مطلوب داشته باشیم، مطالعه می‌شود. این بررسی از لحاظ روش‌شناسی یک مطالعه مروری سیستماتیک بود. در این پژوهش کلیدواژه‌های تاب‌آوری (Resilience)، اجتماع (Community)، فرهنگ (Culture) و سرسختی (Hardness) در مقالات فارسی و انگلیسی ثبت شده در پایگاه‌های الکترونیکی پایمد، گوگل اسکالر، ساینس دایرکت، مگ ایران و پایگاه مرکز اطلاعات جهاد دانشگاهی با اندکس «و» یا «and» در بازه زمانی سال ۱۹۹۰ تا ۲۰۱۸ جست‌وجو شدند. مقالات به‌دست‌آمده در مراحل چندگانه ارزیابی شدند و در نهایت بررسی نهایی روی ۲۳ مقاله انجام شد. در نتیجه مطالعات بین‌رشته تعریفی از این سازه به دست می‌آید: تاب‌آوری فرهنگی ظرفیت و توانمندی مقابله با بحران و حل آن به کمک اسلوب‌های تاریخی، اسطوره، آداب و رسوم و باورهای فرهنگی است و مؤلفه‌های نظری آن شامل تعلق و ریشه‌دار بودن، اعتماد، تعهد، حس غرور و جمع‌گرایی است.

کلیدواژه‌ها:

تاب‌آوری، فرهنگ، سازگاری، حل مسئله

* نویسنده مسئول:

صادق خدامرادی

نشانی: تهران، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، دانشکده علوم اجتماعی و روانشناسی، گروه روانشناسی.

پست الکترونیکی: sadegh.khodamoradi@gmail.com

مقدمه

به بیان دیگر، تاب‌آوری، سازگاری مثبت در واکنش به شرایط ناگوار است (والر، ۲۰۰۱). تاب‌آوری قابلیت فرد در برقراری تعادل زیستی - روانی و معنوی در مقابل شرایط مخاطره‌آمیز است (کانر و دیویدسون، ۲۰۰۳).

جوپس و همکاران (۲۰۱۰) نیز تاب‌آوری را توانایی افراد یا گروه‌ها برای پیشبرد اهداف و حل مشکل در مواقع سختی و یا توانایی افراد برای تداوم بهزیستی روانی و فیزیکی در صورت وجود بدبختی و مصائب و توانایی سازگاری افزایش‌یافته در حین رویداد استرس‌زا می‌دانند. بدین ترتیب، مفهوم تاب‌آوری نشان می‌دهد که در یک موقعیت بحرانی چقدر می‌توانیم با شرایط سازگار باشیم و همچنین چه راه‌حل منطقی را برای عبور از بحران ترسیم می‌کنیم.

تاب‌آوری ممکن است به اشتباه نوعی رواقی‌گری^۱ و خویش‌نمندی تعبیر شود (یعنی بردباری در برابر درد و رنج)، در حالی که تاب‌آوری درحقیقت، مدیریت احساسات است، نه سرکوب آن‌ها. برای آن که حق فلاسفه رواقی باستان حفظ شود، باید گفت که هدف آن‌ها داشتن زندگی عاری از احساس نبود، بلکه آن‌ها می‌خواستند راهی پیدا کنند که احساسات منفی کمتری را تجربه کنند (ایرواین، ۲۰۰۹).

اما در اصل ریشه تاب‌آوری به جنبش روان‌شناسی مثبت‌گرا برمی‌گردد. این رویکرد، هدف نهایی خود را شناسایی سازها و شیوه‌هایی می‌داند که بهزیستی و شادکامی انسان را به دنبال دارند. از این رو، عواملی که سبب سازگاری هرچه بیشتر آدمی با نیازها و تهدیدهای زندگی می‌شوند، بنیادی‌ترین سازها می‌شوند. مورد پژوهش این رویکرد هستند (مک‌کالو، ۲۰۰۰).

در این میان، تاب‌آوری جایگاه ویژه‌ای در

انسان معاصر همچون انسان اولیه یاد گرفته که در مقابل تهدیدات، توان مقابله داشته باشد. با این تفاوت که انسان اولیه صرفاً با ابزار (سخت‌افزار) به دنبال پایداری بود، حال آنکه انسان معاصر با عملکردهای پیچیده روانی به دنبال چیرگی بر شرایط است. زندگی در دنیای جدید آوردگاه تنش‌های (از بلایای طبیعی تا تأثیرات جنگ و مشکلات اقتصادی و...) بی‌درپی و مضاعف است.

از سوی دیگر، نحوه واکنش‌ها می‌تواند شرایط را به شدت متشنج کند. با وجود تقریباً نیم قرن از تحقیقات هماهنگ و سیاست‌های عمومی، دولت ایالات متحده همچنان ناامید شده است تا آسیب‌پذیری جامعه را به خطرات طبیعی کاهش دهد (کاتر، ۲۰۰۸).

باید اذعان داشت که آسیب‌پذیری نشانه ضعف نیست. هیچ‌کس مقاومت مطلق در برابر دشواری ندارد، اما سخت‌رویی زخم خوردن و آسیب ندیدن است و یک مرتبه بالاتر از آن، تاب‌آوری است. مفهوم تاب‌آوری ابتدا از سوی ورنر (۱۹۹۲) در حوزه روان‌شناسی رشد مطرح شد، ولی به تدریج به حوزه‌های دیگر روان‌شناسی مانند روان‌شناسی اجتماعی و روان‌شناسی بالینی نیز وارد شد. ایده ورنر تابع فعالیت‌های پایه‌شکل می‌گیرد.

پایه حل مسئله در شرایط عادی را بررسی می‌کند اما ورنر می‌خواهد بداند اگر کودک در شرایط تنش‌زا قرار بگیرد چقدر می‌تواند مثل قبل موفق باشد. گارمزی و ماستن (۱۹۹۱) تاب‌آوری را «یک فرایند، توانایی یا پیامد سازگاری موفقیت‌آمیز با شرایط تهدیدکننده» تعریف کرده‌اند.

1. Stoicism

طبق مدل نظری کوباسا، سخت‌رویی شامل سه مؤلفه کنترل^{۱۰}، تعهد^{۱۱} و چالش^{۱۲} است. کنترل، یعنی افراد به جای اینکه تحت کنترل شرایط باشند، توانایی خود را در مواجهه شدن با بسیاری از چیزها به طور هم‌زمان نشان می‌دهند. تعهد به این معنی است که افراد مسئولیت شرایط ایجادشده را به طور فعال به عهده می‌گیرند و با وجود مشکلات، اهدافشان را دنبال می‌کنند. چالش به افراد کمک می‌کند تا تهدیدهای بالقوه را با وجود تغییرات مداوم به عنوان فرصتی برای رشد و پیشرفت فردی در نظر بگیرند.

بعدها کلاف و همکاران (۲۰۰۲) یک خرده‌مقیاس دیگر به نام اعتماد^{۱۳} را به مدل کوباسا اضافه کردند که به معنای توانایی حفظ خودباوری، با وجود شکست خوردن و مرعوب نشدن از سوی حریفان و رقیبان است.

رویکردهای مختلف روان‌شناسی به توانمندی‌های دفاعی متنوعی اشاره دارند که علیه تنش و با هدف سازگاری راه‌اندازی می‌شوند. روان‌کاوان مکانیزم‌های دفاعی^{۱۴} را مطرح می‌کنند که عبارت است از سازوکاری ناهشیار که «من» علیه اضطراب فعال می‌کند تا تنش را از هشیاری دور کند (بشارت، ۱۳۸۶).

روان‌شناسان شناختی همچون لازاروس و فولمکن (۲۰۰۸) سبک‌های مقابله‌ای^{۱۵} را مطرح کردند که عبارت است از تلاش هشیارانه ما برای کاهش تنش و چیرگی بر شرایط ناگوار.

به عبارت دیگر، سبک‌های مقابله‌ای مجموعه‌ای

حوزه‌های روان‌شناسی تحول، روان‌شناسی خانواده و بهداشت روانی یافته است، به طوری که هر روز بر شمار پژوهش‌های مرتبط با این سازه افزوده می‌شود. بدین ترتیب، مفهوم تاب‌آوری در این مکتب مورد تأکید نظری و مطالعاتی قرار می‌گیرد.

برای درک این مفهوم ابتدا باید مفهوم سخت‌رویی را مطالعه کرد. بررسی‌ها نشان می‌دهند مفهوم سرسختی به دهه ۱۹۵۰ برمی‌گردد، هنگامی که کتل مفهوم ذهن سخت^۳ را به عنوان یکی از شانزده ویژگی عاملی یا اولیه شخصیت مطرح کرد.

پرش‌نامه شانزده عاملی کتل^۳ ذهن سخت یا یک‌دنده^۴ را در مقابل ذهن حساس^۵ (نرم‌خویی)^۶ ارزیابی می‌کرد. افراد دارای ذهن سخت، افرادی مستقل، واقع‌بین، مسئولیت‌پذیر، و گاهی خودبین^۷ هستند، اما افراد دارای ذهن حساس، افرادی نرم‌خو، حساس، تندمزاج^۸، وابسته و هیجانی در نظر گرفته شدند.

اما به طور دقیق‌تر مفهوم سرسختی به ادبیات پزشکی برمی‌گردد و زمانی معرفی شد که کوباسا و همکاران (۱۹۸۲) دریافتند تفاوت شخصیتی آشکاری بین افراد دارای استرس بالا ولی سالم، با افراد دارای استرس بالا ولی بیمار وجود دارد. کوباسا و دیگران (۱۹۸۲) این تفاوت شخصیتی را سخت‌رویی^۹ نامیدند که به عنوان (استفاده از منابع خود برای ارزیابی، تفسیر و پاسخ به عوامل استرس‌زاها) تعریف می‌شود.

2. Tough-mindedness
3. 16 PF (Personality Factor)
4. Persistent
5. Sensitive
6. Tender Minded
7. Smug
8. Temperamental
9. Hardness

10. Control
11. Commitment
12. Challenge
13. Confidence
14. Defence Mechanism
15. Coping Strategies

کاتر و دیویدسون (۲۰۰۳) که تاب‌آوری را در حوزه‌های اجتماعی مورد مطالعه قرار داده‌اند، معتقدند تاب‌آوری، تنها پایداری در برابر آسیب‌ها یا شرایط تهدیدکننده نیست، بلکه شرکت فعال و سازنده فرد در محیط است. آن‌ها تاب‌آوری را توانمندی فرد در برقراری تعادل زیستی - روانی در شرایط خطرناک می‌دانند. افزون بر این، پژوهشگران بر این باورند که تاب‌آوری نوعی ترمیم خود با پیامدهای مثبت هیجانی، عاطفی و شناختی است (اینزلیچتا، آرونسون، گودومک کی، ۲۰۰۶).

تاب‌آوری به قابلیت سازگاری انسان در مواجهه با بلا یا فشارهای جانکاه، غلبه بر شرایط یا حتی یافتن انگیزه مضاعف اطلاق می‌شود. این خصیصه با توانایی درونی شخص و مهارت‌های اجتماعی و تعامل با محیط متبلور می‌شود (دینر، لوکاس، شیمک و هلیول، ۲۰۰۹).

بر اساس نظر ایساکسون (۲۰۰۲) افراد تاب‌آور قادر هستند بر اعمال خودکنترل داشته باشند، خود را از سردرگمی برهانند و دستگاه‌های حمایت اجتماعی و روابط خانوادگی گسترده‌تری فراهم کنند تا به آنان برای سازگاری بهتر کمک کنند. محققان برای این افراد که در شرایط ناگوار و پرخطر پیامدهای نامطلوب را نشان نمی‌دهند، اصطلاحات دیگری مثل آسیب‌ناپذیر^{۱۹}، مقاوم در برابر استرس^{۲۰} و سرسخت^{۲۱} به کار برده‌اند.

از سوی دیگر، تاب‌آوری اجتماعی^{۲۲} برای نخستین بار از سوی هولینگ (۱۹۷۳) برای توصیف «میزان

از تلاش‌های شناختی و رفتاری فرد است که در جهت تعبیر و تفسیر و اطلاق یک وضعیت تنش‌زا به کار می‌رود و منجر به کاهش رنج ناشی از آن می‌شود. درنهایت، روان‌شناسان مثبت‌نگر همچون سلیگمن بر مفهوم تاب‌آوری^{۱۶} تأکید کرده‌اند که مزیت متمایزی از توانمندی‌های مطرح‌شده دارد.

مکانیسم‌های دفاعی صرفاً به ما کمک می‌کند تنش را از دامنه هشیاری دور کنیم (خدامرادی و همکاران، ۱۳۹۲) و همچنین سبک‌های مقابله (هیجان‌مدار^{۱۷} و مسئله‌مدار^{۱۸}) یک پاسخ هیجانی در مقابل بحران برای فاصله گرفتن از آن (برای مثال قدم زدن در پارک یا گوش دادن به موسیقی یا گریه کردن بعد از فقدان محبوب) و یا میل ما به بررسی شرایط به‌وجودآمده و تلاش برای اقدامات سازنده برای رفع تنش است (برای مثال دانشجویی که به جای اعتراض به نمره پایین تلاش دارد در آن درس مسلط شود) (کریمی ثانی، ۱۳۹۷).

همان‌طور که ذکر شد این دو متغیر تلاش ما برای کاهش تنش یا حداکثر بررسی جوانب متعدد برای حل مسئله را نشان می‌دهد. افراد تاب‌آور به عنوان کسانی توصیف می‌شوند که آموخته‌اند چگونه با استرس‌ها به روش کارآمدی روبه‌رو شوند (بونانو، ۲۰۰۸).

با وجود این، تاب‌آوری اشاره به پیامد سازگارانه در پاسخ به یک بحران یا استرس دارد، در حالی که کنار آمدن (سبک‌های مقابله‌ای) پاسخ روان‌شناختی یا رفتاری است که تأثیر روانی، هیجانی و جسمانی رویدادهای استرس‌زا را کاهش می‌دهد یا پیامدهای مثبت آن را افزایش می‌بخشد (داوی، ۲۰۰۳).

19. Unvulnerable
20. Stress Resistant
21. Hardy
22. Community Resilience

16. Resilience
17. Emotional Coping Strategy
18. Problem Solving Coping Strategy

۱. روش‌شناسی پژوهش

به منظور مرور پژوهش‌های انجام‌شده مرتبط با هدف تحقیق از مطالعه مروری نظام‌مند^{۲۵} استفاده شد. جست‌وجوی مفاهیم حول محور سازه‌های تاب‌آوری و سخت‌رویی و مؤلفه‌های مرتبط با آن بوده است. بدین منظور کلیدواژه‌های تخصصی تاب‌آوری، اجتماع، فرهنگ و سرسختی در مقالات فارسی و انگلیسی ثبت‌شده در پایگاه‌های الکترونیکی گوگل اسکالر^{۲۶}، ساینس دایرکت^{۲۷}، پایمد^{۲۸}، مگ‌یران^{۲۹}، پایگاه مرکز اطلاعات جهاد دانشگاهی^{۳۰} و با اندکس «و» یا «and» در بازه زمانی سال ۱۹۸۰ تا ۲۰۱۸ جست‌وجو شدند. مقالات به‌دست‌آمده در مراحل چندگانه ارزیابی شدند (تصویر شماره ۱).

معیار خروج مقالاتی بودند که از مفاهیم مورد نظر تعریف نوآورانه‌ای ارائه نداده باشند و صرفاً بازگویی مطالعات قبلی باشند. با این شرایط تعداد مقالات غیرتکراری از مرحله بررسی عنوان تا بررسی متن کامل مقاله از ۸۴ به ۳۱ عنوان مقاله کاهش یافت. در مرحله مرور متن کامل مقالات نیز هشت مقاله به دلیل دارا نبودن معیارهای ورود حذف شدند و در نهایت بررسی نهایی روی ۲۳ مقاله انجام شد.

۲. یافته‌های پژوهش

در این بخش با توجه به مرور یافته‌های قبلی مرتبط با سازه تاب‌آوری، این پژوهش‌ها در دو گروه دسته‌بندی شده‌اند. گروه اول که تاب‌آوری را صرفاً به مثابه یک متغیر فردی نگرسته‌اند و گروه دوم که

پایداری سیستم‌ها و توانایی آن‌ها در جذب^{۳۳}، تغییر و اختلال^{۳۴} و همچنین نوع روابط میان جمعیت‌ها یا متغیرهای دولتی» به کار رفت.

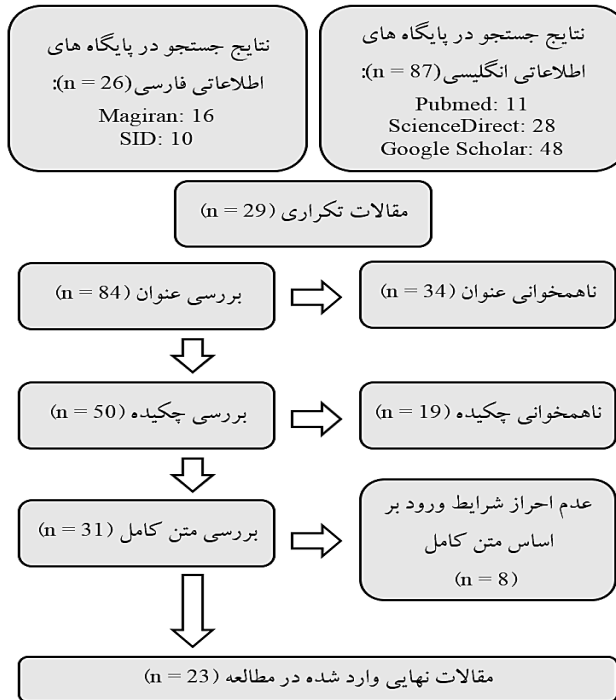
همچنین در این زمینه پلینگیر و بیلینگ (۲۰۱۲)، با بررسی نقش مؤلفه‌های فرهنگی در تاب‌آوری، بررسی کرده‌اند که چگونه انسان با پیچیدگی‌های تغییر در دنیای معاصر، سازگاران تعامل داشته و دوام آورده است. آنچه به طور کلی پلینگیر و بیلینگ در ارتباط بین تاب‌آوری و فرهنگ جست‌ه‌اند، این است که فاکتورهای فرهنگی چگونه در سازگاری انسان نقش دارند.

از این پژوهش‌ها چنین برمی‌آید که صرف‌نظر از فاکتورهای زیستی و روان‌شناختی مرتبط با متغیر تاب‌آوری، تنوع، میزان و کیفیت این مؤلفه در فرهنگ‌های مختلف یکسان نیست. مفهوم تاب‌آوری می‌تواند با مفاهیم دیگر مرتبط با جنبه‌های مختلف فردی، اجتماعی و معنوی همراه باشد.

با توجه به اینکه چنین به نظر می‌رسد که برخی از فرهنگ‌ها، مردمان تاب‌آورتری در خود جای داده‌اند، این سؤال خلق شده است که آیا می‌توان عبارتی ترکیبی با عنوان «فرهنگ تاب‌آورانه» را مطرح ساخت. سازه‌ای که نزدیک‌ترین اشتراک معنایی را با تاب‌آوری اجتماعی دارد. در این راستا پژوهش حاضر با یک رویکرد کیفی و تفسیری و با مروری بر رویکردهای مختلف قصد داشته است از دریچه فرهنگ به تاب‌آوری بنگرد تا از این طریق امکان پرداختن به مفهومی تحت عنوان «تاب‌آوری فرهنگی» را فراهم کند.

25. Systematic Review
26. Google Scholar
27. ScienceDirect
28. Pubmed
29. Magiran
30. SID

23. Absorb
24. Change and Disturbance



تصویر ۱. چارت مراحل بررسی و انتخاب مقالات مرتبط

فرض تاب‌آوری این است که افراد، دارای توانایی‌هایی هستند که به آن‌ها کمک می‌کند تا علی‌رغم شرایط ناگوار به بقای خود ادامه دهند. البته این نکته که تاب‌آوری، نوعی یادگیری است یا بخشی از ماهیت ژنتیکی فرد، موضوعی است که پژوهشگران در حال بررسی آن هستند. در این موج می‌توان به فعالیت‌های ماستن (۱۹۹۰) گارمزی و همکاران (۱۹۹۱) و بررسی ورنر و اسمیت (۱۹۹۲) اشاره کرد. موج اول به شناسایی ویژگی‌های تاب‌آوری منجر شد که به افراد کمک می‌کند تا از شرایط ناگوار، بدون آسیب خارج شوند. پس ویژگی اصلی تاب‌آوری، یک عامل محافظتی در نظر گرفته شده است.

تاب‌آوری اجتماعی را مد نظر داشته‌اند.

تاب‌آوری به مثابه یک خصیصه فردی

در این حوزه، مطالعه تاب‌آوری بیشتر بر بافتار شناسایی خصیصه‌های فردی اشخاصی که در موقعیت‌های خطرناک زندگی می‌کنند، متمرکز بوده است (جدول شماره ۱). مطالعات گروه اول را می‌توان در سه موج پژوهشی دسته‌بندی کرد (جدول شماره ۲).

۱.۲. موج اول - خصیصه تاب‌آوری

از دیدگاه تاریخی، اولین موج بررسی تاب‌آوری، بر شناسایی توانایی‌های یک فرد، متمرکز بود. ویژگی و

جدول ۱. مفهوم‌پردازی تاب‌آوری به مثابه یک خصیصه روان‌شناختی فردی

تعریف از تاب‌آوری	مطالعه
سازگاری و موفقیت کودک در حل مسائل در شرایط تنش‌زا	ورنر (۱۹۹۲)
برای تاب‌آوری یک الگوی خطی وجود دارد که طی آن اولاً یک تعامل زیستی، روانی و معنوی وجود دارد. ثانیاً، تعامل اصلی مرتبط با فوریت‌های زندگی است که ابتدا از هم‌گسیختگی تجربه می‌شود و سپس آمادگی و انتخاب برای انسجام مجدد صورت می‌گیرد.	ریچاردسون و همکاران (۱۹۹۰)
شکست‌ناپذیر بودن	گارمزی (۱۹۸۵)
عدم آسیب‌پذیری	ورنر و اسمیت (۱۹۸۲)
یک فرایند، توانایی یا پیامد سازگاری موفقیت‌آمیز با شرایط تهدیدکننده	گارمزی و ماستن (۱۹۹۱)
سازگاری مثبت در واکنش به شرایط ناگوار	والر (۲۰۰۱)
قابلیت فرد در برقراری تعادل زیستی - روانی و معنوی در مقابل شرایط مخاطره‌آمیز	کانر و دیویدسون (۲۰۰۳)
توانایی افراد یا گروه‌ها برای پیشبرد اهداف و حل مشکل در مواقع سختی و یا توانایی افراد برای تداوم بهزیستی روانی و فیزیکی در صورت وجود بدبختی و مصائب و توانایی سازگاری افزایش یافته هنگام رویداد استرس‌زا	جویس و همکاران (۲۰۱۰)
بنیادی‌ترین سازه روان‌شناسی مثبت که سبب سازگاری هرچه بیشتر آدمی با نیازها و تهدیدهای زندگی می‌شود	مک‌کالو (۲۰۰۰)
مهارت چگونگی رویارویی با استرس‌ها به روش کارآمد	بونانو (۲۰۰۸)
تاب‌آوری نقطه مقابل آسیب‌پذیری است که بیانگر فرایند توانایی و سازگاری موفقیت‌آمیز افراد علی‌رغم وجود استرس و موقعیت‌های تهدیدکننده است	مدی و کوشابا (۲۰۰۵)
تاب‌آوری اشاره به پیامد سازگارانه در پاسخ به یک بحران یا استرس دارد در حالی که سبک‌های مقابله‌ای پاسخ روان‌شناختی یا رفتاری است که تأثیر روانی، هیجانی و جسمانی رویدادهای استرس‌زا را کاهش می‌دهد	داوی (۲۰۰۳)

۲.۲. موج دوم - فرایند تاب‌آوری

زندگی است که ابتدا از هم‌گسیختگی تجربه می‌شود و سپس آمادگی و انتخاب برای انسجام مجدد صورت می‌گیرد. این مدل تابع همان تعادل حیاتی والتر کنن است که می‌گوید تنش و از هم‌گسیختگی حاصل به خوردن تعادل زیستی ما است. تنش، زمانی حاصل می‌شود که کمبودی وجود دارد و نیازی تجربه می‌شود و اینجا انرژی روان شکل می‌گیرد که بتوانیم خودمان را به سطح تعادل برسانیم. (حرکت از از هم‌گسیختگی به تعادل). بر اساس این الگو، افراد

موج دوم پاسخ به این پرسش است که تاب‌آوری چگونه کسب می‌شود؟ این عقیده وجود دارد که تاب‌آوری طی یک فرایند شکست و انسجام مجدد به دست می‌آید. ریچاردسون و همکاران (۱۹۹۰) عملکرد تاب‌آوری (هشیار یا ناهشیار) را بررسی کردند. ریچاردسون یک الگوی خطی ارائه می‌دهد که طی آن اولاً، یک تعامل زیستی، روانی و معنوی وجود دارد. ثانیاً، تعامل اصلی مرتبط با فوریت‌های

جدول ۲. موج‌های تاب‌آوری (کرد میرزا، ۱۳۹۲)

موج‌های تاب‌آوری	توصیف	برآیند
موج اول	توصیف‌های پدیدارشناختی کیفیت‌های تاب‌آوری افراد و نظام‌های حفاظتی که موفقیت‌های شخصی و اجتماعی را پیش‌بینی می‌کند.	فهرست کیفیت‌ها، دارایی‌ها، عوامل حفاظتی که به افراد کمک می‌کند از میان مصیبت‌ها (مثل عزت نفس، خودکارآمدی، نظام حمایتی و ...) رشد کنند.
موج دوم	تاب‌آوری فرایند کنار آمدن با استرس و شرایط ناگوار تغییر، به شیوه‌ای است که منتج به تعیین، تقویت و غنی‌سازی عوامل حفاظتی می‌شوند.	فرایند تخریبی و انسجام مجدد برای کسب کیفیت‌های تاب‌آور بودن دلخواه که در موج اول توصیف شده است را شرح می‌دهد، الگویی که به مراجعان و دانش‌آموزان کمک می‌کند، بین انسجام مجدد تاب‌آورانه، انسجام مجدد برگشت به نقطه مواجهه، یکی را انتخاب کنند.
موج سوم	شناسایی چند نظامی پست‌مدرن ^۱ نیروهای انگیزشی درون افراد و گروه‌ها و خلق تجاربی که تقویت‌کننده فعال‌سازی و بهره‌برداری از نیروها هستند.	به مراجعان کمک می‌کند تا نیرویی که شخص را به سوی خودشکوفایی و انسجام مجدد تاب‌آورانه از تخریب‌ها برمی‌انگیزد، کشف کنند.

1. Postmodern multidisciplinary identification

دارد و طبق نظریه تاب‌آوری، منبع معنوی و ذاتی است. یکی از عبارات نظریه تاب‌آوری این است که نیرویی در درون هر فرد وجود دارد که او را به سمت خود شکوفایی، نوع‌دوستی، خرد و هماهنگی سوق می‌دهد. این نیرو یک منبع معنوی دارد.

پرسشی که به موج سوم بررسی تاب‌آوری منجر شد، این بود که منبع انرژی و انگیزشی که به انسجام مجدد تاب‌آورانه منجر می‌شود، چیست و در کجاست؟ چه چیزی کودک را تاب‌آور می‌سازد؟

از نظر مفهومی کار روی تاب‌آوری، تبیین‌کننده این موضوع است که ما نیازمندیم تا هدف‌های مثبت را در اولویت قرار دهیم. ارتقا تحول و شایستگی، حداقل به اهمیت پیشگیری از وقوع مشکلات است و درواقع به نتایج یکسانی منجر می‌شود (محمدی، ۱۳۸۴).

این فرصت را می‌یابند که از میان ازهم‌گسیختگی برنامه‌ریزی شده با واکنش به رخدادهای محیطی، به صورتی هشیار یا ناهشیار، پیامدهای ازهم‌گسیختگی خویش را انتخاب کنند.

انسجام مجدد تاب‌آورانه به تطابقی گفته می‌شود که به رشد، آگاهی، درک خود و حالات تاب‌آوری منجر می‌شود که فرد در نقطه‌ای از زمان، خود را با موقعیتش در زندگی سازگار کرده است.

استفاده از واژه تعادل زیستی و روانی، به منظور توصیف حالات سازگارانه ذهن و بدن است. جنبش تاب‌آورانه این باور را مطرح می‌کند که تاب‌آوری و انسجام مجدد تاب‌آورانه، بیشتر یک رشد یا سازگاری به واسطه ازهم‌گسیختگی است تا بهبود یافتن یا کارکرد قبلی را بازیافتن.

۳.۲. موج سوم - نظریه تاب‌آوری

انسجام مجدد تاب‌آورانه برای رشد به انرژی نیاز

جدول ۳. مفهوم‌پردازی تاب‌آوری به مثابه یک متغیر روان‌شناسی اجتماعی

مطالعه	تعریف از تاب‌آوری
کانر و دیویدسون (۲۰۰۳)	تاب‌آوری، تنها پایداری در برابر آسیب‌ها یا شرایط تهدیدکننده نیست، بلکه شرکت فعال و سازنده فرد در محیط است
اینزلیچتا، آرونسون، گودومک کی (۲۰۰۶)	تاب‌آوری نوعی ترمیم خود با پیامدهای مثبت هیجانی، عاطفی و شناختی پس از رویارویی با محیط استرس‌زا است
دینر، لوکاس، شیمک و هلیول (۲۰۰۹)	تاب‌آوری به قابلیت سازگاری انسان در مواجهه با بلا یا فشارهای جانکاه، غلبه بر شرایط یا حتی یافتن انگیزه مضاعف اطلاق می‌شود. این خصیصه با توانایی درونی شخص و مهارت‌های اجتماعی و تعامل با محیط متبلور می‌شود
ایساکسون (۲۰۰۲)	افراد تاب‌آور قادر هستند بر اعمال خود کنترل داشته باشند، خود را از سردرگمی برهانند و دستگاه‌های حمایت اجتماعی و روابط خانوادگی گسترده‌تری فراهم کنند تا به آنان برای سازگاری بهتر کمک کنند
هولینگ (۱۹۷۳)	تاب‌آوری اجتماعی میزان پایداری سیستم‌ها و توانایی آن‌ها در جذب، تغییر و اختلال و همچنین نوع روابط میان جمعیت‌ها یا متغیرهای دولتی است
پلینگیر و بیلینگ (۲۰۱۲)	فاکتورهای فرهنگی باعث سازگاری انسان با پیچیدگی‌های تغییر در دنیای معاصر شده و تعامل سازگاران و دوام را به دنبال داشته‌اند
زیمرن و همکاران (۲۰۱۵)	یک فرایند عملکرد پویا است و در نتیجه از تجارب فردی، شرایط محیطی و آثار تجارب مثبت و پایدار حاصل یادگیری، توانایی گذر و تقابل با مسائل و غلبه بر استرس و بحران‌ها (تاب‌آور شدن) شدیداً تأثیرپذیر است
راتر (۱۹۹۳)	تاب‌آوری علاوه بر مؤلفه‌های فردی می‌تواند فاکتورهای محیطی نیز داشته باشد. تاب‌آوری به طور ضمنی نشان‌دهنده تغییر است، ولی می‌تواند یک عامل تدریجی نیز باشد. این باور غلط است که تصور شود تاب‌آوری در هر شرایط مخاطره‌آمیزی به یک میزان قابل کاربرد است و اینکه ویژگی درونی فرد بوده یا اینکه تغییرناپذیر است، بلکه اولاً، تاب‌آوری یک سازه تقابلی است و ثانیاً، تغییرپذیر است. به این ترتیب است که تاب‌آوری یادگیری جدیدی محسوب می‌شود که با توجه به شرایط مختلف، عملکردهای متمایزی را در پیش خواهد گرفت
کامپفر (۲۰۰۵): مدل تبدیلی تاب‌آوری	تاب‌آوری علاوه بر اینکه یک فرایند است، پیامد نیز محسوب می‌شود، یعنی حاصل تجربه، شکست، عکس‌العمل‌ها، انسجام اولیه و انسجام مجدد است
کانر و همکاران (۲۰۰۸)	سازه تاب‌آوری اجتماعی با درک بحران، توان مقابله و همچنین، سازگاری با شرایط، توانایی سیستم اجتماعی برای سازماندهی دوباره، تغییر و یادگیری در پاسخ به یک تهدید جدید، سروکار دارد. شاخص‌های تاب‌آوری اجتماعی عبارت‌اند از: محیط زیست، جامعه، اقتصاد، سازمان‌ها، زیرساخت‌ها و شایستگی اجتماعی
کوهن و همکاران (۲۰۱۵)	تاب‌آوری اجتماعی به سرمایه اجتماعی، حمایت اجتماعی، اطلاعات، ارتباطات، سیستم‌ها، زیرساخت‌ها و خودکارآمدی جمعی یک گروه گفته می‌شود که در شرایط بحرانی برای سازگاری و حل مسئله به کار می‌آید. مؤلفه‌های تاب‌آوری اجتماعی عبارت‌اند از: رهبری، کارایی جمعی، آمادگی، دلبستگی اقلیمی و اعتماد اجتماعی.

۴.۲. تاب‌آوری اجتماعی؛ حلقه پیوند تاب‌آوری و فرهنگ

در این حوزه، مطالعه تاب‌آوری صرفاً به عنوان یک خصلت ذاتی در فرد مطرح نیست، بلکه این توانایی در مراحل رشد از تعامل بین فرد و محیط آموخته می‌شود (جدول شماره ۳). پس تاب‌آوری یک فرایند عملکرد پویا است و در نتیجه از تجارب فردی، شرایط محیطی و آثار تجارب مثبت و پایدار حاصل یادگیری، توانایی گذر و تقابل با مسائل و غلبه بر استرس و بحران‌ها (تاب‌آور شدن) شديداً تأثیرپذیر است (زیمرن و همکاران، ۲۰۱۵).

مدی و کوشابا (۲۰۰۵) تاب‌آوری را نقطه مقابل آسیب‌پذیری می‌دانند که بیانگر فرایند توانایی و سازگاری موفقیت‌آمیز افراد علی‌رغم وجود استرس و موقعیت‌های تهدیدکننده است. در ابتدا تاب‌آوری به عنوان شکست‌ناپذیر بودن (گارمزی، ۱۹۸۵) و عدم آسیب‌پذیری (ورنر و اسمیت، ۱۹۸۲) تعریف شده است، ولی راتر (۱۹۹۳) بر این باور است که افراد تاب‌آور علاوه بر ویژگی‌های فوق، مشخصه‌های دیگری را نیز دارند. از سوی دیگر او معتقد است با وجود اینکه تاب‌آوری بطور ضمنی نشان‌دهنده تغییر است، ولی می‌تواند یک عامل تدریجی نیز باشد.

علاوه بر این، راتر (۱۹۹۳) نشان داد که باور غلط این است که تصور شود تاب‌آوری در هر شرایط مخاطره‌آمیزی به یک میزان قابل کاربرد است و اینکه ویژگی درونی فرد بوده یا اینکه تغییرناپذیر است. پس اولاً، تاب‌آوری یک سازه تقابلی است و ثانیاً، تغییرپذیر است.

به این ترتیب، تاب‌آوری یادگیری جدیدی محسوب می‌شود که با توجه به شرایط مختلف، عملکردهای متمایزی را در پیش خواهد گرفت. در

مدل تبادلی تاب‌آوری کامپفر، تاب‌آوری علاوه بر اینکه یک فرایند است، پیامد نیز محسوب می‌شود، یعنی حاصل تجربه، شکست، عکس‌العمل‌ها، انسجام اولیه و انسجام مجدد است.

تاب‌آوری اجتماعی که از سوی هولینگ (۱۹۷۳) برای توصیف «میزان پایداری سیستم‌ها و توانایی آن‌ها در جذب^{۳۱}، تغییر و اختلال^{۳۲} و همچنین نوع روابط میان جمعیت‌ها یا متغیرهای دولتی» به کار رفت، نشان‌دهنده ظرفیت جامعه برای غلبه بر تغییرات و بحران‌ها است.

در واقع تاب‌آوری اجتماعی، توانایی یک سیستم اجتماعی برای پاسخ مطلوب و بلایای طبیعی و بهبودی است. این سازه، با درک بحران، توان مقابله و همچنین، سازگاری با شرایط، توانایی سیستم اجتماعی برای سازماندهی دوباره، تغییر، و یادگیری در پاسخ به یک تهدید جدید، سروکار دارد (کاتر و همکاران، ۲۰۰۸).

تاب‌آوری اجتماعی به سرمایه اجتماعی، حمایت اجتماعی، اطلاعات، ارتباطات، سیستم‌ها، زیرساخت‌ها و خودکارآمدی جمعی یک گروه گفته می‌شود که در شرایط بحرانی برای سازگاری و حل مسئله به کار می‌آید (کوهن و همکاران، ۲۰۱۵).

شاخص‌های تاب‌آوری اجتماعی طبق نگاه کاتر شامل موارد ذیل است: محیط زیست^{۳۳}، جامعه^{۳۴}، اقتصاد^{۳۵}، سازمان‌ها^{۳۶}، زیرساخت‌ها^{۳۷} و شایستگی

31. Absorb

32. Change and Disturbance

33. Ecological

34. Social

35. Economic

36. Institutional

37. Infrastructure

بنابراین در زبان‌های مختلف علی‌رغم ریشه‌های مختلف، نوعی اشتراک معنایی بین تمام آن‌ها وجود دارد و در تمامی آن‌ها عناصری چون رشد و کمال، هنر و فضیلت نهفته است (معین، ۱۳۹۴).

درواقع هم «فرهنگ» و هم «تمدن» معنای اصلی خود را از زبان لاتین می‌گیرند. واژه «Civic» که به مقام شهروندی اطلاق می‌شود، دال بر برتری آن بر حالت بدوی بیگانگان یا وحشیان نیز است.

به هر روی معنای تحت‌اللفظی و معنای ثانویه این دو کلمه در عصر جدید نیز به کار گرفته شده‌اند، اما تا نیمه قرن هجدهم اوج عصر روشنگری در تفکر اروپایی متداول نبودند (ثلاثی، ۱۳۹۳).

در نیمه سده نوزدهم میلادی برخی از دانشمندان واژه فرهنگ را برای ارجاع به ظرفیت جهان‌شمول بشری اطلاق کردند. ادوارد تایلر در سال ۱۸۷۱ فرهنگ را با تمدن مقایسه کرد و آن دو را کلیتی درهم‌تنیده دانست که شامل دین، هنر، اخلاق و هر گونه توانایی است که آدمی می‌تواند به دست آورد. «کلاکر» نیز فرهنگ را در کل مفهومی وصف‌گرایانه به معنای گنجینه‌ای انباشته از آفرینندگی‌های بشر تلقی کرد. از این رو کتاب‌ها، نقاشی‌ها، بناها و نیز دانش هماهنگ کردن خود با محیط و همچنین آداب و فضیلت‌های اخلاقی و دستورهای شایسته و ناشایسته، همگی جزئی از فرهنگ به شمار می‌رود. «مایرس» نیز فرهنگ را آن چیزی دانست که از گذشته آدمی به جای مانده است و بر اکنون و آینده او تأثیر می‌گذارد (برنارد، ترجمه کاشانی، ۱۳۹۲).

در سده بیستم میلادی «فرهنگ» به عنوان یک مفهوم محوری و کلیدی در انسان‌شناسی به کار رفت که همه پدیده‌های انسانی را دربر می‌گرفت و صرفاً نتیجه امور ژنتیکی به حساب نمی‌آمد. اصطلاح

اجتماعی^{۳۸}. طبق مدل کوهن، تاب‌آوری اجتماعی دارای مؤلفه‌های رهبری^{۳۹}، کارایی جمعی^{۴۰}، آمادگی^{۴۱}، دلبستگی اقلیمی^{۴۲} و اعتماد اجتماعی^{۴۳} است.

آنچه از مفهوم‌پردازی‌های مربوط به تاب‌آوری به مثابه یک مؤلفه روانی-اجتماعی برمی‌آید، این است که جامعه با مؤلفه‌های مختلف خود این امکان را به ما می‌دهد که در شرایط ناگوار بتوانیم به خوبی شرایط را برای خود و دیگران کنترل و مدیریت کنیم و علاوه بر توان مقابله، توان تغییر مطلوب شرایط را نیز داشته باشیم.

اگر اجتماع در بحران‌ها امکاناتی برای مقابله، سازگاری و تغییر به ما می‌دهد، پس نقش فرهنگ^{۴۴} در این میان چیست؟ و اینکه آیا می‌توان تاب‌آوری فرهنگی^{۴۵} را به عنوان سازه‌ای مستقل و متمایز بررسی کرد؟

فعل لاتین «Colerel» از دوران رنسانس به بعد در زبان انگلیسی «Culture» و پیش از آن در زبان آلمانی «Kultuer» به معنای پیشرفت و تعالی یک جامعه و نشانه دستیابی آن به تمدن به کار می‌رفته است (رفیع‌پور، ۱۳۹۲). در ادب فارسی، فرهنگ به معانی مختلفی چون دانش، علم، معرفت، ادب، تربیت، هنری آموختن و به کار بستن، آموزش و پرورش، آداب، بینش و ایدئولوژی مذهبی آمده است. در زبان عربی هم «ثقافه» به معنی ادب، عقل، دانش، بزرگی، حکمت و هنر است.

38. Community Competence

39. Leadership

40. Collective Efficacy

41. Preparedness

42. Place Attachment

43. Social Trust

44. Culture

45. Cultural Resilience

از نگاه پدیدگتئون (۱۹۳۳) فرهنگ اساساً مکانیسمی برای سازگاری است که برآورده شدن نیازهای زیستی و اجتماعی انسان را میسر می‌سازد. این تعریف اخیر بیشترین قربت معنایی را با مفهوم تاب‌آوری دارد.

۵.۲. تاب‌آوری فرهنگی

نقطه شاخص مطالعات در باب مفهوم‌پردازی تاب‌آوری فرهنگی به پژوهش‌های هتروف^{۴۶} برمی‌گردد. هتروف (۲۰۱۸) تاب‌آوری فرهنگی را توانایی یک سیستم فرهنگی در جذب ناسازگاری، مقابله با تغییر و تداوم تحول و پیشرفت در نظر می‌گیرد.

اما آنچه در این پژوهش به دنبال آن هستیم و همان‌طور که در مدل مفهومی تصویر شماره ۲ نیز ملاحظه می‌شود، با توجه به جمع‌بندی نتایج می‌توان مؤلفه‌های تاب‌آوری فرهنگی را با الهام از شاخص‌های تاب‌آوری اجتماعی مدل کاتر، مؤلفه‌های تاب‌آوری اجتماعی مدل کوهن و مؤلفه‌های فرهنگ به صورت زیر خلاصه‌بندی کرد.

مؤلفه‌ها: تعلق و ریشه‌دار بودن، اعتماد، تعهد، حس غرور، جمع‌گرایی

تعلق فرهنگی و ریشه‌دار بودن^{۴۷}: این ویژگی که به یک قومیت و فرهنگ مشخص تعلق داریم.

اعتماد^{۴۸}: این احساس که آنچه از اصول فرهنگی آموخته‌ایم ما را در مقابل مشکلات توانمند ساخته است.

«فرهنگ»، به‌ویژه در انسان‌شناسی آمریکایی دارای دو معنی بود (برنارد، ترجمه کاشانی، ۱۳۹۲):

۱. ظرفیت و گنجایش تکامل‌یافته بشر برای دسته‌بندی و بیان تجربیات به واسطه نمادها و کنش پندارمآبانه و نوآورانه.

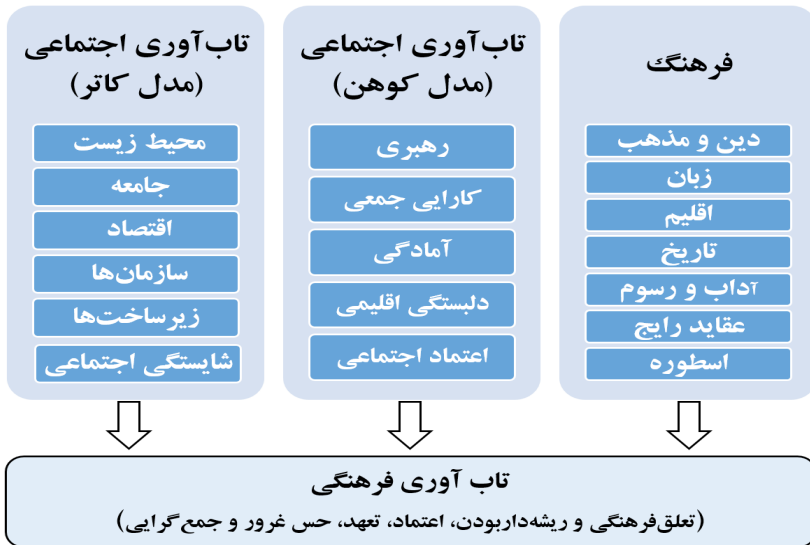
۲. راه‌های مشخصی که مردم براساس آن در نقاط مختلف جهان زیسته و تجربیات خود را به شیوه‌های گوناگون بیان می‌کنند و به شکلی خلاقانه دست به کنش می‌زنند.

پس از جنگ جهانی دوم این اصطلاح - اگرچه با معانی مختلف - از اهمیت بیشتری در دیگر رشته‌ها و حوزه‌های علمی مثل جامعه‌شناسی، مطالعات فرهنگی، روان‌شناسی سازمانی و علوم مدیریتی برخوردار شد.

فرهنگ را می‌توان به عنوان مجموع ویژگی‌های رفتاری و عقیدتی اکتسابی اعضای یک جامعه خاص تعریف کرد (کوئن، ۲۰۱۳). سروش (به نقل از رفیع‌پور، ۱۳۹۳) فرهنگ را این‌گونه تعریف کرده است: «مجموعه آداب، اندیشه‌ها، دیدگاه‌ها، اعتقادات و ارزش‌های یک قوم را که اولاً، برخوردار از وحدت تألیفی باشند و ثانیاً، اقیانوس‌وار آن قوم را فراگرفته باشند و ثالثاً، آدمیان غافل و غیرمختارانه در آن غوطه‌ور باشند، فرهنگ می‌نامند.»

از نگاه روشه (۱۹۹۷) فرهنگ مجموعه به‌هم‌پیوسته از شیوه‌های تفکر و احساس و عمل است که کم و بیش مشخص است و توسط تعداد زیادی افراد فراگرفته می‌شود و بین آن‌ها مشترک است و به دو شیوه عینی و نمادین به کار گرفته می‌شود تا این اشخاص را به یک جمع خاص و متمایز مبدل سازد.

46. Holtorf
47. Rootedness
48. Trust



تصویر ۲. مدل نظری مفهوم‌پردازی تاب‌آوری فرهنگی برآمده از مؤلفه‌های تاب‌آوری اجتماعی مدل کاتر، مؤلفه‌های تاب‌آوری اجتماعی مدل کوهن و مؤلفه‌های فرهنگ

توانمندی درک و پیش‌بینی شرایط بحرانی، سازگاری با شرایط ناگوار، توانمندی حل مسئله و تغییر و تداوم تحول تابع تجارب کسب‌شده به کمک اسلوب‌های فرهنگی است.

قبل از این، عبارت تاب‌آوری فرهنگی در پژوهش حسنی (۱۳۹۷) با مفهوم پایداری فرهنگ یک اجتماع بومی آمده است، به این معنا که تا چه اندازه فرهنگ یک گروه خاص در ارتباط با یک یا چند مؤلفه معین تغییرپذیر است، در حالی که در پژوهش حاضر با رویکرد روان‌شناسی اجتماعی این مفهوم بدین معنا مطرح است که تا چه اندازه گروه معینی از یک اجتماع، دارای فرهنگ تاب‌آورانه به معنای روان‌شناختی آن هستند.

تعهد^{۴۹}: این ویژگی که برای آرمان‌های قومی - گروهی و حفظ، بقا و آرامش آن تمام تلاش خود را خواهیم کرد.

حس غرور^{۵۰}: فرهنگ به ما آموخته است برای تجربه غرور به استقبال شرایط ناگوار برویم و از آن فرار نکنیم.

جمع‌گرایی^{۵۱}: توانایی کار کردن با دیگران، استفاده از تجارب و قدرت ذهنی و جسمانی دیگران برای حل مشکلات.

طبق پژوهش‌های صورت‌گرفته و البته انسجام نتایج گردآوری‌شده می‌توان تاب‌آوری فرهنگی

49. Commitment

50. Pride

51. Collectivism

۳. بحث و نتیجه‌گیری

به عبارت دیگر، تاب‌آوری فرهنگی ظرفیت و توانمندی مقابله با شرایط تنش‌زا به کمک اسلوب‌های تاریخی، اسطوره، آداب و رسوم و باورهای گروهی است. این تاب‌آوری، نسل به نسل از طریق داستان‌ها، روایات، اصول تعلیم و تربیت و مراسم‌های اجتماعی فراگرفته می‌شود.

بدین ترتیب باید انتظار داشت میزان تاب‌آوری فرهنگی در قومیت‌ها و ملل مختلف، متفاوت باشد، چراکه شکل‌گیری تاب‌آوری ریشه در تجربه بحران، تدوام بحران، قدرت مقابله، سازگاری و بقای یک نسل دارد.

پس طبیعی است که هر قومی که رنج بیشتری کشیده و در مقابل سازگاری و اقتدار خود را حفظ کرده و توانسته است موقعیت مناسبی از لحاظ اقلیمی و سایر شرایط برای خود فراهم آورد، تاب‌آوری بیشتری دارد.

درباره اهمیت تاب‌آوری فرهنگی می‌توان به تاریخ تکامل انسان و همچنین تقابل تاریخی او با سایر انواع جانداران، به‌خصوص سایر راست‌قامتان اشاره کرد. می‌دانیم که انسان معاصر از گونه انسان خردمند^{۵۲} است. در حال حاضر انسان خردمند فرمانروای روی زمین است، اما همیشه این‌طور نبوده و گونه‌های دیگری از موجودات راست قامت سخنگو همچون نئاندرتال^{۵۳} و دنیسوان^{۵۴} در کنار ما زیسته‌اند، همچون ما لباس می‌پوشیدند، شکار می‌کردند، آمیزش جنسی داشته و حتی دست به ابداع و اختراع می‌زدند.

نزدیک‌ترین گونه به انسان خردمند، انسان

آنچه که فرهنگ را شکل می‌دهد، توافق گروهی، انسجام، هدفمندی، تعهد و انگیزه است. قبل از آنکه خودمان دیدگاهی در مورد جهان داشته باشیم، فرهنگ مبنای جهان‌بینی ما محسوب می‌شود و گاهی این جهان‌بینی پایدار خواهد بود.

فرهنگ به ما هویت می‌دهد و علاوه بر آن، در شرایط بحرانی به ما می‌گوید که برای خودمان و دیگران و نجات زندگی و محیط خود چه کاری باید انجام دهیم.

برای فرهنگ می‌توان از لحاظ نظری مؤلفه‌های متمایزی برشمرد: دین و مذهب، زبان و مشتقات آن (همچون اشعار، تمثیل، روایات، داستان‌ها، ضرب‌المثل و...)، اقلیم، تاریخ، آداب و رسوم و مراسم‌ها، عقاید رایج و اسطوره. البته، تابع ایده‌های اسمیت (۱۹۹۱) و ایتان (۲۰۰۷) زبان، بستگی جغرافیایی و بستگی تاریخی عناصر اصلی فرهنگ محسوب می‌شوند (به نقل از آشنا، ۱۳۸۹).

فرهنگ به مثابه عامل همبستگی و انسجام قومی، چارچوبی برای درست زندگی کردن در اختیار افراد یک گروه بزرگ قرار می‌دهد. ویژگی ضمنی و بااهمیت فرهنگ، نقش تعیین‌کننده آن در نحوه واکنش به شرایط بحرانی است. قبل از آنکه خصوصیات فردی ما در موقعیت‌های تنش‌زا اهمیت داشته باشد، آنچه که از فرهنگ آموختیم، اهمیت دارد.

بدین ترتیب، تاب‌آوری فرهنگی را می‌توان نقش نگرش، باورها، سنت، اسطوره و الگوهای تاریخی و آرمانی یک قوم دانست که کمک می‌کند چگونه با شرایط دشوار مواجه و سازگار شد و در نهایت بر آن غلبه کرد.

52. Hominid

53. Neanderthal

54. Denisovan

به هر ترتیب، نئاندرتال‌ها چهل هزار سال پیش نابود شده و ما زنده مانده‌ایم و فرمانروای بی‌رقیب زمین و شاید کهکشان خودمان هستیم. اینجا یک تبیین جدید صورت می‌گیرد، البته نمی‌خواهیم ادعای بزرگی را مطرح کنیم، فقط یک زاویه جدید می‌تواند ایجاد شود. انسان نئاندرتال، در بهشت پهناور اروپا و آسیا زندگی می‌کردند و هرچه نیاز داشتند، در سرزمینشان وجود داشت، اما مغز آن‌ها به خوبی انسان آفریقایی‌تبار (نیاکان ما) خوب کار نمی‌کرد، چراکه کارکرد اندیشه به هنگام نیاز اهمیت بیشتری پیدا می‌کند.

همین تفکر است که نیاکان ما را دائماً مجاب به مهاجرت و کوچ کرده است. در تمام این جهان‌ردپای ما پیداست و نه انسان نئاندرتال، دنیسوان، رودولفی و ...

آنجا اندیشیدن آغاز می‌شود که نیاز به غلبه کردن، رفع کمبودها، سازگاری و بقا، هر روز چشمگیرتر می‌شود. پس ناگزیر اینجا از تاب‌آوری سخن می‌گوییم. نگاه عمومی بر آن است که هوش ما را به اینجا کشانیده است، ما مخالفتی نداریم.

اما درست‌تر آن است که بدانیم تاب‌آوری این کمک را به ما کرده است و از آنجا که این انسان اولیه، زندگی فردی ندارد، چیزی به نام تاب‌آوری فردی نیز اهمیت زیادی ندارد.

اما از آنجا که رفتار انسان اولیه به شدت متأثر از گروه است، قواعد، آرمان‌های گروهی و الزامات گروه در سازگاری با بحران‌ها و حل مشکلات برای شکل‌گیری تمدن الزامی است. پس نخستین ردپای تاب‌آوری فرهنگی را می‌توان در تاریخ پیدا کرد.

از سوی دیگر، برای تبیین تمایز عملکرد تاب‌آوری فرهنگی در قومیت‌های مختلف، می‌توان عملکرد

نئاندرتال است. بدن نئاندرتال‌ها برای زندگی در آب و هوای سرد سازگاری یافته بود، به طور مثال، آن‌ها کاسه سر بزرگ داشتند، کوتاه‌قامت، اما بسیار قوی بوده و دارای بینی بزرگی بودند، ویژگی‌هایی که مطلوب آب و هوای سرد است. طبق تخمین‌ها اندازه کاسه سر آن‌ها و مغز، بزرگ‌تر از انسان‌های مدرن بوده است. به طور میانگین، نئاندرتال‌های مذکر دارای قد ۱۶۵ سانتی‌متر، از نظر وزنی سنگین و به دلیل فعالیت بدنی زیاد دارای استخوان‌بندی قوی بوده‌اند. بلندی زن‌های نئاندرتال بین ۱۵۳ تا ۱۵۷ سانتی‌متر بوده است.

در دو دهه اخیر، باستان‌شناسان درباره نئاندرتال‌ها که بیش از دویست هزار سال پیش در اروپا و آسیا ساکن بودند و حدود چهل هزار سال قبل بطور اسرارآمیزی ناپدید شدند، تحقیقات زیادی کرده‌اند. مهم‌ترین بخش این تحقیقات، شامل بررسی شباهت سبک زندگی و رفتارهای اجتماعی نئاندرتال‌ها با انسان‌های خردمند است.

اشیای باقی‌مانده از نئاندرتال‌ها، به‌خصوص زیورآلاتشان که استفاده‌های نمادین داشته و نشانگر فرهنگ آن‌ها بوده، اساسی‌ترین سند برای بررسی رفتار آن‌ها و مقایسه‌اش با رفتارهای انسان‌های مدرن است (کولیک و وین، ۲۰۰۹).

درباره انقراض نئاندرتال‌ها نظریات متعددی وجود دارد. برای مثال، یک نظر بر آن است که انسان خردمند با اهلی کردن گرگ‌ها و همچنین سایر ابزارهای قدرتمندی که داشته‌اند، توانسته‌اند نئاندرتال‌ها را نابود کنند. نظریه دیگر می‌گوید که سرمای بی‌سابقه و ناتوانی آن‌ها برای سازگاری موجب انقراض آن‌ها شده است (هراری، ۲۰۱۴).

کردن کنترل واکنش‌های است و البته گاهی غلبه کردن همان سازگاری با شرایط است و شکل نهایی غلبه، حل مسئله به شیوه مطلوب برای خروج از بحران است و از آنجا که بسیاری از این چالش‌ها بین حکومت‌ها ایجاد می‌شود و صرفاً تمرکز بر توان فیزیکی صورت نمی‌گیرد، جنگ نرم اهمیت پیدا می‌کند. این چنین است که سازه‌ی به نام تاب‌آوری مطرح شده است.

در ادامه روند تاریخ و با شکل‌گیری الگوهای اجتماعی و فرهنگی می‌توان دو نوع تاب‌آوری جدید را مطرح کرد. تاب‌آوری حکم‌توان پیشگیری از آسیب‌پذیری نسبت به خطرات طبیعی و چالش‌های زندگی را دارد.

گاهی اوقات نبود تاب‌آوری یک تهدید بالقوه را تبدیل به یک فاجعه می‌کند. این سازه تعیین می‌کند که در مقابل خطر به چه شکل رفتار کنیم. تاب‌آوری فارغ از اینکه توسط الگوهای روان‌شناختی شکل گرفته و قدرت پیدا می‌کند، حاصل شرایطی است که جامعه و فرهنگ برای ما ایجاد کرده است.

مؤلفه‌های متعدد فرهنگی اجتماعی تاب‌آوری به واسطه تأثیرگذاری فراگیر خود نقش بسزایی در کاهش آسیب‌پذیری یک بحران و همچنین واکنش مطلوب سازگاران و حل مسئله دارد.

درنهایت اینکه، فرهنگ غنی ایرانی به دلیل تأثیرات دوسویه تاریخی و مذهبی، آموزه‌های متعددی را در پی دارد. این آموزه‌ها در طول تاریخ، با آیین‌های مذهبی، مراسم‌های سنتی، هنر، از جمله ادبیات (اشعار، ضرب‌المثل‌ها، روایات، داستان‌ها و...) خود را نمایان می‌کند.

به همین ترتیب است که هویت ملی ما زمینه مناسبی برای تاب‌آوری فرهنگی است و پیش‌بینی

رفتاری این قومیت‌ها را در شرایط بحرانی سنجید. قحطی، جنگ‌ها، سونامی، تحریم، زلزله و سایر بلای طبیعی آیا قومی را نابود می‌کند و یا آن‌ها را قوی‌تر می‌کند. این یادآوری همان جمله معروف نیچه است که می‌گوید: «زخمی که مرا نکشد، قوی‌تر می‌کند.»

برای تاب‌آوری فرهنگی می‌توان از لحاظ نظری مؤلفه‌های متمایزی برشمرد: همچون دین و مذهب، زبان و مشتقات آن (همچون اشعار، تمثیل، روایات، داستان‌ها، ضرب‌المثل و...)، اقلیم، تاریخ، آداب و رسوم و مراسم‌ها، عقاید رایج و اسطوره.

باید خاطر نشان کرد که برای معرفی مؤلفه‌های تاب‌آوری فرهنگی، اولین استنادمان به هویت فرهنگی بوده است که تابع ایده‌های اسمیت (۱۹۹۱) و ایتان (۲۰۰۷) زبان، بستگی جغرافیا و بستگی تاریخی را عناصر اصلی در نظر می‌گیرند.

در تحقیقات مرتبط با خطرات، تعریف تاب‌آوری به معنای توانایی برای زنده ماندن و مقابله با یک فاجعه با حداقل تأثیر و آسیب است (برک و کامپنلا، ۲۰۰۶). این مسئله ظرفیت کاهش و یا اجتناب از تلفات، شامل اثرات فاجعه و بهبود با حداقل اختلالات اجتماعی را شامل می‌شود (برونو و همکاران، ۲۰۰۳).

تاب‌آوری در تحقیقات مرتبط با خطرات به طور کلی روی سیستم‌های مهندسی و اجتماعی متمرکز شده و شامل اقدامات پیش از وقوع، پیشگیری از آسیب‌ها و مشکلات مربوط به آسیب (آمادگی) و استراتژی‌های پس از رویداد برای کمک به مقابله با مضرات و به حداقل رساندن اثرات فاجعه است (برونو، ۲۰۰۳).

تا زمانی که بشر تنش را احساس کرده است، تلاش داشته به نوعی بر آن غلبه کند. شرط غلبه

(چارچوب‌های علمی، روش‌شناسی و تهیه ساختار نهایی) کمک شایانی کردند.

می‌شود میزان این سازه روان‌شناختی در فرهنگ‌های متفاوت به میزان قابل توجهی بالا و در یک میزان مشخص به نسبت یکدیگر باشد.

ملاحظات اخلاقی

پیروی از اصول اخلاق پژوهش

تمام اصول اخلاق در این مقاله رعایت شده است.

حامی مالی

این تحقیق هیچ‌گونه کمک مالی از سازمان، ارگان یا دانشگاهی دریافت نکرده است. طرح اصلی پژوهش و ساختار بنیادی مقاله مستخرج از دو زمینه‌ی پژوهشی صادق‌خدامرادی (شامل پایان‌نامه دکتری دانشگاه آزاد واحد علوم و تحقیقات تهران و طرح پژوهشی در مؤسسه آموزشی - تحقیقاتی صنایع دفاعی وابسته به وزارت دفاع و پشتیبانی از نیروهای مسلح) است که توسط سایر همکاران و اساتید، سازمان‌دهی، نقد و بررسی شده است.

مشارکت‌نویسندگان

مفهوم‌سازی، تحقیق و روش‌شناسی، تهیه: صادق‌خدامرادی؛ اعتبارسنجی و نهایی‌سازی: تمامی نویسندگان.

تعارض منافع

بنابر اظهار نویسندگان این مقاله تعارض منافع ندارد.

تشکر و قدردانی

تشکر و سپاس فراوان از دکتر آزاد همتی و دکتر علی لطفی که در روند دشوار این پژوهش

منابع فارسی

- آشنا، ح.، روحانی، م. (۱۳۸۹). *هویت فرهنگی ایرانیان از رویکردهای نظری تا مؤلفه‌های بنیادی*. فصلنامه تحقیقات فرهنگی، ۳(۴)، ۱۸۴-۱۵۷. http://www.jicr.ir/article_159.html
- برنارد، ف. (۱۳۷۳). *نظریه‌های فرهنگ و تمدن در عصر جدید*. ترجمه حنایی کاشانی، م. س. نامه فرهنگ، (۱۴ و ۱۵)، ۸۵-۷۴.
- بشارت، م. ع.، حاجی آقا زاده، م.، قربانی، ن. (۱۳۸۶). *تحلیل رابطه هوش هیجانی، مکانیزم‌های دفاعی و هوش عمومی*. *روانشناسی معاصر* ۲(۱)، ۵۸-۴۹. <http://ensani.ir/file/download/article/20101007194543->
- حسینی، ق. (۱۳۹۷). *تحلیلی بر چالش‌ها و آسیب‌پذیری تاب‌آوری فرهنگی در اجتماع بومی (مطالعه موردی تالاب‌های فریدون کنار)*. *جامعه‌شناسی نهادهای اجتماعی*، ۵(۱۲)، ۲۹۱-۲۶۹. <http://ensani.ir/fa/article/395225>
- خدامرادی، ص.، بشارت، م. ع.، همتی، آ. (۱۳۹۲). *بررسی وضعیت مکانیسم‌های دفاعی مبتلایان به سرطان سینه با گروه غیربالینی*. *مجله یافته‌های دانشکده علوم پزشکی لرستان*، ۱۵(۳)، صص ۸۶-۷۶. <http://yafte.lums.ac.ir/article-۱-۱۳۴۹-fa.html>
- رفیع‌پور، ف. (۱۳۹۳). *آنانتومی جامعه: مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی کاربردی*. تهران: شرکت سهامی انتشار.
- روح‌الامینی، م. (۱۳۹۴). *زمینه فرهنگ‌شناسی: تألیفی در انسان‌شناسی فرهنگی و مردم‌شناسی*. تهران: نشر عطار.
- کوئن، ب. (۲۰۰۳). *مبانی جامعه‌شناسی*. ترجمه توسلی غ. و فاضل ر.، تهران: نشر سمت. ۱۳۹۷.
- روشه، گ. (۱۹۹۷). *تغییرات اجتماعی*. ترجمه وثوقی، م.، تهران: نشر نی. ۱۳۹۷.
- گیدنز، آ. (۸۳۹۱). *جامعه‌شناسی*. ترجمه چاوشیان ح.، تهران: نشر نی. ۱۳۹۷.
- معین، م. (۱۳۹۱). *فرهنگ فارسی معین*. تهران: انتشارات امیرکبیر.

References

- Ashna, H., & Roohani, M. R. (2011). [Iranians cultural identity: From theoretical perspective to principles (Persian)]. *Journal of Iranian Cultural Research*, 3(4), 157-184. [DOI:10.1177/0002716205285533]
- Barnard, F. (1994). Theories of culture and civilization in the modern era [H. Kashani, Persian Trans]. *Cultural Letter*, 14-15, 74-85. <https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?ID=183424>
- Berke, P. R., & Campanella, T. J. (2006). Planning for post-disaster resiliency. *The Annals of the American Academy of Political and Social Science*, 604(1), 192-207. [DOI:10.1177/0002716205285533]
- Besharat, M. A., Hajiaqazadeh, M., & Ghorbani, N. (2007). [Analysis of the relationship between emotional intelligence, defense mechanisms and general intelligence (Persian)]. *Contemporary Psychology, Biannual Journal of the Iranian Psychological Association*, 2(1), 49-58. http://bjcp.ir/browse.php?a_id=962&sid=1&slc_lang=en
- Bonanno, G. A. (2004). Loss, trauma, and human resilience: Have we underestimated the human capacity to thrive after extremely aversive events? *The American Psychologist*, 59(1), 20-28. [DOI:10.1037/0003-066X.59.1.20] [PMID]
- Bruneau, M., Chang, S. E., Eguchi, R. T., Lee, G. C., O'Rourke, T. D., Reinhorn, A. M., et al. (2003). A framework to quantitatively assess and enhance the seismic resilience of communities. *Earthquake Spectra*, 19(4), 733-752. [DOI:10.1193/1.1623497]
- Cattell, R. B. (1957). *Personality and motivation structure and measurement*. New York: World Book Company. <https://books.google.com/books?id=jW9EAAA-IAAJ&q>
- Clough, P., Earle, K., & Sewell, D. (2002). Mental toughness: The concept and its measurement. In I. Cockerill (Ed.), *Solutions in sport psychology* (pp. 32-46). London: Thompson Learning. <https://books.google.com/books?id=IG7xzQEACAAJ&dq>
- Cohen, B. (1938). *Fundamentals of sociology* [G.H. A., & R. Fazel, Persian Trans]. Tehran: Samt. http://opac.nlai.ir/opac-prod/search/briefListSearch.do?command=FULL_VIEW&id=5676624&pageStatus=1&sort
- Cohen, O., Geva, D., Lahad, M., Bolotin, A., Leykin, D., Goldberg, A., et al. (2016). Community Resilience throughout the Lifespan--the potential contribution of healthy elders. *PLoS ONE*, 11(2), e0148125. [DOI:10.1371/journal.pone.0148125] [PMID] [PMCID]
- Cutter, S. L., Barnes, L., Berry, M., Burton, C., Evans, E., Tate, E., et al. (2008). A place-based model for understanding community resilience to natural disasters. *Global Environmental Change*, 18(4), 598-606. [DOI:10.1016/j.gloenvcha.2008.07.013]
- Connor, K. M., & Davidson, J. R. (2003). Development of a new resilience scale: The Connor-Davidson Resilience Scale (CD-RISC). *Depression and Anxiety*, 18(2), 76-82. [DOI:10.1002/da.10113] [PMID]
- Diener, E., Lucas, R., Helliwell, J. F., Schimmack, U., & Helliwell, J. (2009). *Well-being for Public Policy*. New York: Oxford University Press. [DOI:10.1093/acprof:oso/9780195334074.001.0001]
- Giddens, A. (1938). *Sociology* [H. Chavoshian, Persian Trans]. Tehran: Ney Publishing. http://opac.nlai.ir/opac-prod/search/briefListSearch.do?command=FULL_VIEW&id=1015240&pageStatus=1&sortKey=Value1=sortkey_title&sortKeyValue2=sortkey_author
- Hasani, S. G. (2019). An analysis on the challenges and vulnerabilities of cultural resilience in the local community: Case study of Fereydunkenar Local Wetlands. *Journal of Sociology of Social Institutions*, 5(12), 269-291. [DOI:10.1093/acprof:oso/9780195334074.001.0001]
- Holling, C. S. (1973). Resilience and stability of ecological systems. *Annual Review of Ecology and Systematics*, 4(1), 1-23. [DOI:10.1146/annurev.es.04.110173.000245]
- Holtorf, C. (2018). Embracing change: How cultural resilience is increased through cultural heritage. *World Archaeology*, 50(4), 639-650. [DOI:10.1080/00438243.2018.1510340]
- Isaacson, B. (2002). Characteristics and enhancement of resiliency in young people [MSc. thesis]. Menomonie: University of Wisconsin-stout. <https://minds.wisconsin.edu/bitstream/handle/1793/40465/2002isaacsonb.pdf?sequence=1>
- Karimisani, P., Mahdilou, S., Mansouri, S., & Sajjadizadeh, Z. (2018). [The effect of psychological first aid in improving multidimensional pain symptoms and

- the way of coping with stress on women suffering M.S (Persian)]. *Shenakht Journal of Psychology and Psychiatry*, 5(4), 87-98. [DOI:10.29252/shenakht.5.4.87]
- Khodamoradi, S., Besharat, M. A., & Hemmati, A. (2013). [The comparison of defense mechanisms in patients suffering from breast cancer with those of nonclinical group (Persian)]. *yafte*, 15(3), 76-86. <http://yafte.lums.ac.ir/article-1-1369-fa.html>
- Kobasa, S. C. (1979). Stressful life events, personality, and health an inquiry into hardiness. *Journal of Personality and Social Psychology*, 37(1), 1-11. [DOI:10.1037/0022-3514.37.1.1]
- Kobasa, S. C., Maddi, S. R., & Kahn, S. (1982). Hardiness and health: A prospective study. *Journal of Personality and Social Psychology*, 42(1), 168-177. [DOI:10.1037/0022-3514.42.1.168]
- Lazarus, R. S., & Folkman, S. (1984). Stress, appraisal and coping. In M.D. Gellman, & J.R. Turner (Eds.). *Encyclopedia of Behavioral Medicine* (pp. 123-136). New York: Springer Publishing Company. [DOI:10.1007/978-1-4419-1005-9_215]
- Maddi, S. R., & Khoshaba, D. M. (2005). *Resilience at work: How to succeed no matter what life throws at you*. North Brabant: AMACOM. https://books.google.com/books/about/Resilience_at_Work.html?id=M-3r1VO7rhW8C
- Mašten, A. S. (2001). Ordinary magic: Resilience processes in development. *American Psychologist*, 56(3), 227-238. [DOI:10.1037/0003-066X.56.3.227]
- Mašten, A. S., & Coatsworth, J. D. (1998). The development of competence in favorable and unfavorable environments: Lessons from research on successful children. *American Psychologist*, 53(2), 205-220. [DOI:10.1037/0003-066X.53.2.205]
- Moin, M. (2012). *Persian culture*. Tehran: Amirkabir Publishing House. <https://www.gisoom.com/book/1875908/%DA%A9%D8%AA%D8%A7%D8%A8-%D9%81%D8%B1%D9%87%D9%86%DA%AF-%D9%81%D8%A7%D8%B1%D8%B3%DB%8C-%D8%AF-%D9%82-%D8%AC%D9%84%D8%AF-2/>
- Piddington, R. (1933). Psychological aspects of culture contact. *Oceania*, 3(3), 312-324. [DOI:10.1002/j.1834-4461.1933.tb00076.x]
- Plieninger, T., & Bieling, C. (2012). *Resilience and the cultural landscape: Understanding and managing change in human-shaped environments*. Cambridge: Cambridge University Press. [DOI:10.1017/CBO9781139107778]
- Rafipour, F. (2014). [*Anatomy of society: An introduction to applied sociology* (Persian)]. Tehran: Anteshar Co. <https://www.gisoom.com/book/11040374/%DA%A9%D8%AA%D8%A7%D8%A8-%D8%A2%D9%86%D8%A7%D8%AA%D9%88%D9%85%DB%8C-%D8%AC%D8%A7%D9%85%D8%B9%D9%87-%D9%85%D9%82%D8%AF%D9%85%D9%87-%D8%A7%D8%B1-%D8%AC%D8%A7%D9%85%D8%B9%D9%87-%D8%B4%D9%86%D8%A7%D8%B3%DB%8C-%DA%A9%D8%A7%D8%B1%D8%A8%D8%B1%D8%AF%DB%8C/>
- Richardson, G. E. (2002). The metatheory of resilience and resiliency. *Journal of Clinical Psychology*, 58(3), 307-321. [DOI:10.1002/jclp.10020] [PMID]
- Roshe, G. (1997). *Social change* [M. Vosoughi, Persian Trans]. Tehran: Nashr-e Ney. http://opac.nlai.ir/opac-prod/search/briefListSearch.do?command=FULL_VIEW&id=640186&pageStatus=1&sortKeyValue1=sortkey_title&sortKeyValue2=sortkey_author
- Rouhalamini, M. (2015). [Field of cultural studies: A compilation in cultural anthropology and anthropology: With revisions and additions (Persian)]. Tehran: Atar. <http://opac.nlai.ir/opac-prod/bibliographic/3602999>
- Rutter, M. (2007). Resilience, competence, and coping. *Child Abuse & Neglect*, 31(3), 205-209. [DOI:10.1016/j.chiabu.2007.02.001] [PMID]
- Rutter, M. (1985). Resilience in the face of adversity: Protective factors and resistance to psychiatric disorder. *The British Journal of Psychiatry*, 147, 598-611. [DOI:10.1192/bjp.147.6.598] [PMID]
- Tierney, K., & Bruneau, M., (2007). *Conceptualizing and measuring resilience: A key to disaster loss reduction*. Washington, DC: Transportation Research Board. https://onlinepubs.trb.org/onlinepubs/trnews/trnews250_p14-17.pdf
- Werner, E. E. (1984). Resilient children. *Young Children*, 40(1), 68-72. <https://psycnet.apa.org/record/1985-25241-001>

- Werner, E. E. (2005). What can we learn about resilience from largescale longitudinal studies? In S. Goldstein & R. B. Brooks (Eds.), *Handbook of resilience in children and youth* (pp. 91 - 106). New York: Kluwer Academic Publishers. [DOI:10.1007/0-306-48572-9_7]
- Werner, E. E., & Smith, R.S. (1982). *Vulnerable But invincible: A longitudinal study of resilient children and youth*. New York: McGraw Hill. https://www.google.com/books/edition/Vulnerable_But_Invincible/1YqZAAAAIAAJ?hl=en
- Werner, E. E., & Smith, R. S. (1992). *Overcoming the odds: High-risk children from birth to adulthood*. New York: Cornell University Press. [DOI:10.7591/9781501711992]
- Werner, E. E., & Smith, R. S. (2001). *Journeys from childhood to midlife: Risk, resilience and recovery*. New York: Cornell University Press. <https://psycnet.apa.org/record/2001-18603-000>